بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

خارج فقه جلسه97..14/11/1399

( فصل فی المطهرات : الانقلاب - هل الانقلاب کالاستحالة ام لا ؟ - الروایات الواردة فی الانقلاب )

قسم دیگر از مطهرات انقلاب است ، مثل انقلاب شراب به سرکه خواه خود بخود منقلب شود یا به سبب بعضی از اشیاء منقلب شود مثلا به سبب نمک این کار انجام شود

مرحوم سید پیش از آنکه انقلاب را تعریف کند و فرق آن را با استحاله بیان کند مثال را گفته و تعریف انقلاب و استحاله را در ضمن مصادیق بیان کردند

تحقیق استاد : از نظر لغت و عرف بین انقلاب و استحاله فرقی نیست لغت در ترجمه غلّبة غلبا می نویسد حوّله عن وجهه یعنی از چهره اش تحول و تبدل ایجاد شود اما هر دو عنوان در روایات نیامده است و عنوان استحاله اگر به عنوان مطهرات شمرده شده است به خاطر آن است که موضوع را عوض می کند و تحول و تبدلی در موضوع ایجاد می کند و هم چنین اگر انقلاب از مطهرات شمرده شده است به خاطر آن است که نام خمر و نبیذ را عوض می کند وقتی نام عوض شد حکم هم عوض می شود حالا می گویند سرکه ای که قبلا شراب بوده است

آنچه در روایات امده که تجعل مُخَلّا ، یحلها خَلّا و امثال اینها اتفاقا در بیانات بعضی از فقها آمده که انقلاب همان استحاله است مثل مرحوم صاحب حدائق در ج ۵ ص ۴۷۳ می گوید و قد تقدمت الاشارة الیه ( انقلاب ) فی الاستحالة یا مرحوم صاحب جواهر در جواهر ج ۶ ص۲۸۴ دارند که مقتضای قاعده طهارت خمر و عصیر زمانی که خود بخود استحاله و تبدیل به سرکه شود

حال روایات سه دسته اند :

دسته اول : روایات مطلقه اند که مطلقا حکم به طهارت سرکه ای می کنند که از خمر بدست آمده و مطلقا یعنی چه بنفسه منقلب شود و چه بوسیله اشیای دیگر

مثل صحیحهعَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْخَمْرِ يَكُونُ أَوَّلُهُ خَمْراً ثُمَّ يَصِيرُ خَلًّا[[1]](#footnote-1) قَالَ إِذَا ذَهَبَ‏ سُكْرُهُ‏ فَلَا بَأْس‏(وسائل باب اطعمه و اشربه، باب31 ح9.

و منها : عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الرَّجُلِ إِذَا بَاعَ عَصِيراً فَحَبَسَهُ‏ السُّلْطَانُ‏ حَتَّى صَارَ خَمْراً فَجَعَلَهُ صَاحِبُهُ خَلًّا فَقَالَ إِذَا تَحَوَّلَ عَنِ اسْمِ الْخَمْرِ فَلَا بَأْسَ بِهِ.( وسائل الشيعة ، باب اطعمه و اشربه،باب 31 - باب عدم تحريم الخل و أن الخمر إذا انقلبت خلا حلت .....ح5)

که مردی آب انگور را بفروشد و سلطان یعنی مالک اب انگور آن را نگه دارد و مدتی بعد شراب تبدیل شود آنوقت این خمر سرکه شود چه حکمی دارد حضرت فرمودند اگر از اسم خمر تغییر کند اشکالی ندارد همان ح ۵

تقریب استدلال : امام علیه السلام ترک استفصال کردند و از راوی نپرسید که خودبخود تبدیل به سرکه شده و یا بخاطر اشیای دیگر تبدیل به سرکه شده و بدون پرسیدن ، امام علیه السلام امر به لا بأس کردند پس این مطلق است و نیازی نیست که از چه چیزی این تبدیل به سرکه شده است

دسته دوم : روایاتی که تطهیر به انقلاب را مقید به علاج کرده که خود بخود تبدیل به سرکه نشده بلکه توسط اشیایی تبدیل به سرکه شده است

روایت اول : عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع‏ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْخَمْرِ تُعَالَجُ‏ بِالْمِلْحِ‏ وَ غَيْرِهِ لِتُحَوَّلَ خَلًّا قَالَ لَا بَأْسَ بِمُعَالَجَتِهَا قُلْتُ فَإِنِّي عَالَجْتُهَا وَ طَيَّنْتُ رَأْسَهَا ثُمَّ كَشَفْتُ عَنْهَا فَنَظَرْتُ إِلَيْهَا قَبْلَ الْوَقْتِ‏[[2]](#footnote-2) فَوَجَدْتُهَا خَمْراً أَ يَحِلُّ لِي إِمْسَاكُهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا إِرَادَتُكَ أَنْ تَتَحَوَّلَ الْخَمْرُ خَلًّا وَ لَيْسَ إِرَادَتُكَ الْفَسَاد(همان ح11)

گفتم خودم معالجه کردم و سر خمره را گِل گرفتم وبعد باز کردم و قبل از فرارسیدن زمان پایان نگهداری نگاه کردم و آن را خمر دیدم آیا حلال است نگه دارم ؟ حضرت فرمودند لاباس بذلک فرموده اشکالی نیست چون تو میخواستی خمر سرکه شود و نمی خواستی خمر فاسد شود و دور بریزی پس نگه دار تا سرکه شود ، دلالت حدیث روشن است که در صورت معالجه تبدیل به سرکه شود مشکلی ندارد

و منها صحیحه مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا ع جُعِلْتُ فِدَاكَ الْعَصِيرُ يَصِيرُ خَمْراً فَيُصَبُّ عَلَيْهِ الْخَلُّ وَ شَيْ‏ءٌ يُغَيِّرُهُ حَتَّى يَصِيرَ خَلًّا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ.(همان ح8)

دسته سوم :روایاتی که دلالت می کند بر عدم حلیت و طهارت سرکه زمانی که توسط اشیای دیگر تبدیل سرکه شود.

منها موثقهعَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْخَمْرِ يُجْعَلُ فِيهَا الْخَلُّ فَقَالَ لَا إِلَّا مَا جَاءَ مِنْ‏ قِبَلِ‏ نَفْسِهِ‏.(همان ح7)

و منها موثقه اخری عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْخَمْرِ يُصْنَعُ فِيهَا الشَّيْ‏ءُ حَتَّى تَحْمُضَ قَالَ إِنْ كَانَ الَّذِي صُنِعَ‏ فِيهَا هُوَ الْغَالِبَ عَلَى مَا صُنِعَ فِيهِ فَلَا بَأْسَ. وسائل، بَابُ طَهَارَةِ الْخَمْرِ إِذَا انْقَلَبَتْ خَلًّا وَ إِبَاحَتِهَا حِينَئِذ)این تبدیلی که ایجاد شد اگر غلبه دارد بخاطر آن تبدیلی که بواسطه خودش انجام شده اشکالی ندارد اما اگر این تبدیل همه‌اش به آن نمک یا سرکه ای که ریختند هست اشکال دارد

دسته چهارم :احادیث طبی است و حکم شرعی از آن بدست نمی آید

1. ( 5)- في المصدر زيادة يؤكل. [↑](#footnote-ref-1)
2. ( 8)- في المصدر زيادة أو بعده. [↑](#footnote-ref-2)